

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعقیبات نماز

در بحث تعقیبات نماز تاکنون به پنج موضوع پرداخته‌ایم. ابتدا کلیاتی را در باب تعقیبات خدمتتان عرض کردیم؛ سپس وارد انواع تعقیبات شدیم؛ تکبیرات اختتامیه، تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام، دعا و قرآن، چه آیات و چه سوره‌ها را در تعقیبات خواندن، عرض کردیم و امروز وارد ششمین عنوان در بحث‌های تعقیبات می‌شویم.

مبحث سجده‌ی شکر

اهمیت سجده‌ی شکر

یکی دیگر از تعقیبات، سجده‌ی شکر است. در روایات تأکیدهای فوق‌العاده‌ای بر سجده‌ی شکر شده است. در توقیعی که از امام عسکری و احنافده برای عبدالله بن جعفر حمیری وارد شده است، عبارت خیلی قابل توجه است. حضرت فرمودند: «سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنْ أَلْزَمِ الشُّكْرِ وَ أَوْجِبُهَا»^۱ سجده‌ی شکر از ضروری‌ترین اعمال مستحب و از واجب‌ترین و مورد تأکیدترین سنت‌های پسندیده‌ی الهی است.

سجده‌ی شکر هم به اعتبار سجده بودن و هم به اعتبار شکر اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. هر دوی اینها را مفصل خدمتتان عرض کرده‌ایم. در مقارنات نماز، در بحث سجده، روایات را مفصل خواندیم و نکاتی را در اسرار عرفانی سجده خدمتتان عرض کردیم؛ که دیگر به آنها نمی‌پردازیم. پس هم به لحاظ اینکه سجده است و هم به لحاظ اینکه این سجده در

^۱ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۹۰ و طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۸۷ و مجلسی، بحار، ج ۸۳، ص ۱۹۴.

مقام شکر و سپاسگزاری به جا آورده می‌شود، بسیار فوق‌العاده است. در زمینه‌ی شکر هم در بحث‌های مختلفی، از جمله مباحث کتاب شراب‌طهور و مباحث مصباح‌الهدی، به صورت مشروح سخن گفته‌ایم؛ که عزیزان حتماً مراجعه کرده‌اند و اگر مکرراً هم مراجعه بفرمایند، قطعاً مفیدتر خواهد بود؛^۲ لذا به بحث اهمیت شکر هم نمی‌پردازم.

سجده‌ی شکر به قدری ارزشمند است که حتی نقایصی که در نماز واجب و فریضه بوده است و از طریق نوافل قابل برطرف شدن نیست، را ترمیم می‌کند. (به بحث نوافل که رسیدیم روایاتش را می‌خوانم؛ که نافله ترمیم‌کننده و تکمیل‌کننده‌ی نقص‌هایی است که در فریضه و نماز واجب وجود داشته است.) ممکن است نقص‌هایی باشد که حتی نافله هم نمی‌تواند آنها را برطرف کند؛ روایت داریم که این نقص‌ها، فقط توسط سجده‌ی شکر بعد از نمازها قابل برطرف شدن است.

یک روایت آن را خدمتتان بخوانم؛ امام رضا علیه السلام فرمودند: «السَّجْدَةُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ شُكْرٌ لِلَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ عَلَى مَا وَفَّقَ لَهُ الْعَبْدَ مِنْ آدَاءِ فَرِيضَةٍ» سجده‌ی بعد از نماز واجب در مقام تشکر از خدای متعال است برای اینکه بنده را موفق کرده است فریضه را به جا آورد. یعنی انسان وقتی نماز واجبش را خواند، می‌داند که من این نماز را با حول و قوه‌ی خودم نخواندم؛ خدا به من حول و قوه داد؛ خدا به من فهم و وجدانی داد که این وجدان به من می‌گفت: باید وظیفه‌ی بندگیت را در پیشگاه خدا به جا بیاوری؛ خداست که این فریضه‌ی عظیم را مقرر کرد؛ به من آموخت و از طریق اولیایش در دسترس من قرار داد؛ خدا بود که توفیق

^۲. مهدی طیب، شراب‌طهور، ص ۲۳۱-۲۴۲ و مصباح‌الهدی، ص ۸۳-۸۶ و آدرس لینک در سایت اهل‌ولاء، سخنان استاد، مباحث عرفانی، بازخوانی و شرح مختصر بر کتاب مصباح‌الهدی (۱)، ترک‌های شکر (۲ گفتار) و شرحی بر کتاب شراب‌طهور، ترک‌شکر.

به جا آوردن نماز واجب را به من داد؛ با توان، توفیق و فهمی که خدا به من داد و با هدایتی که خدا مرا کرد، این نماز را خواندم و تمام این نماز را به خدا بدهکار هستم؛ لذا از خدا تشکر می‌کند. بعد از اینکه موفق شد نماز واجبش را بخواند، سر به سجده‌ی شکر می‌گذارد و تشکر می‌کند.

بعد حضرت فرمودند: «وَأَذِّنْ مَا يُجْرَىٰ فِيهَا مِنَ الْقَوْلِ أَنْ يُقَالَ شُكْرًا لِلَّهِ شُكْرًا لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ»: کمترین چیزی که در مقام سجده‌ی شکر پذیرفتنی است و در پیشگاه الهی مورد قبول قرار می‌گیرد، این است که فرد سر به سجده که می‌گذارد، سه بار بگوید: «شُكْرًا لِلَّهِ». در سجده‌ی شکر این حداقل است. راوی می‌گوید: «قُلْتُ فَمَا مَعْنَى قَوْلِهِ شُكْرًا لِلَّهِ» خدمت علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض کردم معنای «شُكْرًا لِلَّهِ» که فرد در سجده‌ی شکر می‌گوید، چیست؟ «قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ هَذِهِ السَّجْدَةُ مِنِّي شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى مَا وَفَّقَنِي لَهُ مِنْ خِدْمَتِهِ وَ آدَاءِ فَرَائِضِهِ» حضرت فرمودند: او با «شُكْرًا لِلَّهِ» که در سجده‌ی بعد از نمازش می‌گوید، بیان می‌کند که این سجده تشکری از جانب من، از خدای عزوجل است؛ به خاطر توفیقی که به من داد تا خدمت او را به جا آورم و فریضه‌ای را که بر من مقرر کرد، انجام دهم و بگزارم. «وَالشُّكْرُ مُوجِبٌ لِلزِّيَادَةِ» در ادامه حضرت فرمودند: شکر هم که سبب افزونی نعمت است. به قول شاعر: «شکر نعمت نعمت افزون کند».

خدای متعال فرمود: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»^۳ اگر تشکر کنید، من زیاد می‌کنم و افزونی می‌بخشم. «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» تشکر سبب افزونی می‌شود؛ چون وقتی کسی چیزی به کسی داد، اگر آن فرد، قدر این داده را دانست؛ یعنی هم دانست که چه چیز ارزشمندی به

۳. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۷.

او داده شده است و هم دانست که فرد عطاکننده، چه شخص بزرگوار و والایی بوده است که این چیز را به او عطا کرده است؛ موجب ترغیب عطاکننده به عطاهاى بعد مى‌شود. چون «شُكْرُ النَّعْمِ دَرْكُ النَّعْمِ وَ شُكْرُ الْمُنْعَمِ دَرْكُ الْمُنْعَمِ» هدیه‌ای که شما به کسی می‌دهید؛ اگر دیدید او قدردان است، یعنی اگر هم قدر و ارزش عطایی که شما کردید را بداند؛ هم ارزش و منزلت شما را بشناسد؛ مثلاً من کتابی به شما هدیه کردم؛ دیدم شما این کتاب را با علاقه و دقت خواندید، این برای من انگیزه می‌شود که کتاب دوم را به شما بدهم؛ اما اگر کتاب اول را دادم، ولو شما به زبان هم بگویید خیلی ممنونم؛ سپاسگزارم؛ اما کتاب را گوشه‌ی کتابخانه‌تان بگذارید، هیچ‌وقت هم نخوانید؛ وقتی من می‌بینم با کتابی که به شما دادم، این‌گونه رفتار کردید، کتاب دوم را نخواهم داد؛ پس «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» اگر از نعمتی که خدا به شما داد تشکر کردید، خدا آن را افزونی می‌بخشد.

این یک نکته‌ی «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» بود؛ نکته‌های فراوان دیگری است که در مبحث شکر کتاب "شراب‌طهور" مفصل عرض کرده‌ایم. عزیزان می‌توانند به آن کتاب و شرحی که بر آن، در قالب فایل صوتی در دسترسشان قرار دارد، مراجعه کنند.^۴

حضرت رضا علیه‌السلام فرمودند: «وَالشُّكْرُ مُوجِبٌ لِلزِّيَادَةِ» اکنون که تو از خدا برای توفیق خدمت و عبادتی که به تو داد، تشکر می‌کنی، این تشکر تو سبب می‌شود خدا در وادی عبادت و بندگی خود، توفیق بیشتری به تو عطا کند. بعد حضرت فرمودند: «فَإِنْ كَانَ فِي الصَّلَاةِ تَقْصِيرٌ لَمْ

۴. مهدی‌طیب، شراب‌طهور، ص ۲۳۱ - ۲۴۲ و آدرس لینک در سایت اهل‌ولاء، سخنان‌استاد، مباحث‌عرفانی، شرحی بر کتاب شراب‌طهور،

يَمَّ بِالْتَّوَابِلِ تَمَّ بِهَذِهِ السَّجْدَةِ»^۵ این همان نکته‌ای بود که عرض کردم. حضرت فرمودند: اگر در نماز واجبی که فرد خواند، تقصیر، کوتاهی یا کاستی‌یی باشد که با به‌جا آوردن نمازهای نافله هم قابل برطرف شدن و تکمیل نیست، سجده‌ی شکر آنها را تکمیل می‌کند و از نماز واجب رفع نقص می‌نماید.

روایت دیگر در باب سجده‌ی شکر از امام صادق علیه السلام است. حضرت فرمودند: «سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» تعابیر خیلی عجیب است. هم در عبارت توقیع حضرت بقیة‌الله ارواحنا فداه که برایتان خواندم، تعبیر «وَ اَوْجِبَهَا» شده بود و هم در این روایت، امام صادق علیه السلام فرمودند سجده‌ی شکر بر هر مسلمان "واجب" است. «ثُمَّ بِهَا صَلَاتُكَ» با سجده‌ی شکر، نمازت را تکمیل و نقص‌های آن را برطرف می‌کنی. «وَ تُرَضَى بِهَا رَبِّكَ» و از رهگذر سجده‌ی شکر، رضایت خدا را نسبت به خودت حاصل و کسب می‌کنی. «وَ تَعَجَّبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ» و ملائکه هم از کار تو به شگفت می‌آیند و تعجب‌زده می‌شوند. بعد حضرت فرمودند: «وَ اِنَّ الْعَبْدَ اِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَفَتَحَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَ بَيْنَ الْمَلَائِكَةِ» وقتی بنده‌ای نماز می‌گذارد و بعد از نمازش سجده‌ی شکر به‌جا می‌آورد، خدا حجاب و پرده را بین بنده‌ای که سجده‌ی شکر به‌جا می‌آورد و ملائکه کنار می‌زند و کاری می‌کند که ملائکه مشرف شوند و این بنده را در حال سجده ببینند. «فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا اِلَى عَبْدِي اَدَّى فَرَضِي وَ اَتَمَّ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَيَّ مَا اَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ» خدای متعال بنده‌ای را که در حال سجده‌ی شکر

^۵ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۸۱ و حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۶ و مجلسی، بحار، ج ۸۳، ص ۱۹۸.

است، به ملائکه نشان می‌دهد و می‌فرماید: ای ملائکه‌ی من! به این بنده‌ی من نگاه کنید؛ نماز واجب‌ی را که برایش مقرر کردم، به‌جا آورد و عهدی را که با من داشت، که فرمانم را ببرد، به تمام و کمال به منصه‌ی ظهور گذاشت و انجام داد؛ اکنون هم سجده کرده است و به‌خاطر نعمت توفیق عبادتی که به او دادم، از من تشکر می‌کند. «مَلَائِكَتِي مَا ذَا لَهٗ عِنْدِي» ای ملائکه‌ی من! بگویند او در قبال این عملی که انجام می‌دهد، چه پیش من دارد؟ و من چه به او بدهم؟ «قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا رَحِمْتَنَا» امام صادق علیه السلام فرمودند: ملائکه به خدای متعال عرض می‌کنند: ای پروردگار ما! رحمت خودت را شامل حال این بنده کن. «ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَا ذَا لَهٗ» خدای تبارک و تعالی بعد از اینکه آنها گفتند رحمت را به او بده، به ملائکه می‌فرماید: بعد از اینکه رحمتم را نصیب او کردم، چه به او بدهم؟ «فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا جَنَّتَكَ» ملائکه عرض می‌کنند: علاوه بر رحمت، بهشتت را هم نصیب این بنده کن. «ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَا ذَا» بعد خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: بسیار خوب؛ بهشتم را هم دادم، پس از آن به این بنده چه بدهم؟ «فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا كِفَايَتُهُ مُهِمَّةٌ» ملائکه عرض می‌کنند: خدای بزرگ! ای پروردگار ما! همه‌ی امور مهم او را کفایت کن؛ همه‌ی نیازهای او را تأمین کن؛ همه‌ی مشکلات او را حل کن و هر مسئله‌ای دارد، برایش تأمین کن. «فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَا ذَا» خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: اگر این کار را هم کردم، بعد از آن برای این بنده چه کار کنم؟ «قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ» امام صادق علیه السلام فرمودند: «وَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ» هیچ چیز خیر و خوبی باقی نمی‌ماند، مگر اینکه ملائکه می‌گویند آن را هم به او بده و خدای متعال دوباره می‌فرماید: این را هم دادم؛ دیگر به او چه بدهم؟ ملائکه همه‌ی خیرات را می‌گویند. «فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي ثُمَّ مَا ذَا» بعد

از اینکه هرچه خوبی و چیز خوب بود را ملائکه گفتند خدایا! آن را به این بنده بده؛ بعد دوباره خدا می‌فرماید: بعد از آن چه؟ دیگر چه به این بنده‌ام بدهم؟ «فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا» ملائکه عرض می‌کنند: پروردگار ما! ما چیز دیگری بلد نیستیم! هر چه خوبی بود، گفتیم! و شما هم فرمودید: اینها را دادم، بعدش چه بدهم؟ ما چیزی نمی‌دانیم! «قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَشْكُرُ لَهُ كَمَا شَكَرَ لِي وَ أَقْبَلُ إِلَيْهِ بِفَضْلِي وَ أُرِيهِ وَجْهِي»^۶ وقتی ملائکه می‌گویند: ما چیزی نمی‌دانیم و بلد نیستیم؛ خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: ای ملائکه‌ی من! بدانید همان‌طور که این بنده از من تشکر می‌کند، من هم از او تشکر می‌کنم. (اینکه تشکر خدا از بنده یعنی چه؟ بحث مفصلی است.) همان‌طور که او مرا شکر می‌کند، من خدا هم شکر این بنده را به‌جا می‌آورم و با فضل خودم به او رو می‌کنم؛ یعنی از وجهه‌ی فضل و تفضل به او توجه می‌کنم و فوق استحقاق او به او عطا می‌کنم. «وَ أُرِيهِ وَجْهِي» و وجه خودم را هم به او نشان می‌دهم و توفیق دیدار، لقاء و مشاهده‌ی وجه خودم را هم، نصیب او می‌کنم. این روایت خیلی فوق‌العاده است. نشان می‌دهد که سجده‌ی شکر چه عمل برجسته و عظیمی است؛ اینکه کسی بعد از نماز واجبش، سر به سجده‌ی شکر بگذارد و از خدای متعال بابت توفیق عبادتی که نصیب او کرده است، تشکر کند.

روایت دیگر هم از امام صادق علیه السلام است. حضرت فرمودند: «مَنْ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَ هُوَ مُتَوَضِّئٌ» کسی که سجده‌ی شکر به‌جا بیاورد، درحالی که وضو دارد؛ «كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ صَلَوَاتٍ وَ مَحَا

^۶ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۱۱۰ و حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۶ و مجلسی، بحار، ج ۸۳، ص ۲۰۵ و صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۳.

عَنْهُ عَشْرَ خَطَايَا عِظَامٍ^۷ خدای متعال در قبال همین یک سجده، برای او ده نماز ثبت می‌کند، اجر ده نماز را برای او مقرر می‌کند و علاوه بر این، ده گناه عظیم، نه گناه‌های معمولی، بلکه از عظام ذنوب و از بزرگترین گناهان را هم از نامهی عمل آن بنده محو می‌کند. این چند روایت در اهمّیت سجده‌ی شکر کافی است.

نحوه‌ی انجام سجده‌ی شکر

در سجده‌ی شکر، گفتن هیچ ذکر ضروری نیست؛ یعنی مقید به گفتن ذکر نیست. اگر کسی در مقام شکر، فقط پیشانی بر خاک بنهد، کافی است. البته در حالت سجده‌ی شکر بهتر این است که آنچه در سجده‌ی نماز مراعات می‌شد، در اینجا هم مراعات شود؛ یعنی هفت موضع سجده بر خاک گذاشته شود. البته چیزهای اضافه‌تری هم دارد، که عرض می‌کنم؛ ولی اینکه حتماً ذکر بگوید، لازم نیست. اگر واقعاً حال روحی او این‌گونه است که در مقام تشکر سر به خاک می‌گذارد و جبین بر خاک می‌نهد، همین برای سجده‌ی شکر کفایت می‌کند؛ یعنی به عمل او سجده‌ی شکر اطلاق می‌شود؛ ولو هیچ ذکر در سجده به زبان جاری نکرده است.

فضیلت دارد که در سجده‌ی شکر ذکرهایی گفته شود؛ مثل صدبار «شُكْرًا؛ شُكْرًا؛ شُكْرًا» گفتن؛ یا صدبار «عَفْوًا عَفْوًا عَفْوًا» گفتن؛ یا همان‌طور که در حدیث امام رضا علیه السلام بود که حضرت فرمودند: حدّاقل سه‌بار «شُكْرًا لِلَّهِ» گفتن. در این زمینه روایت‌هایی را بخوانم.

^۷ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۲ و شیخ حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۵ و مجلسی، لوامع صاحب‌قرانی، ج ۴، ص ۱۸۵.

امام رضا علیه السلام فرمودند: «قُلْ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ مِائَةٌ مَرَّةً شُكْرًا شُكْرًا وَ إِنْ شِئْتَ عَفْوًا عَفْوًا»^۸ در سجده‌ی شکر صدبار بگو: «شُكْرًا؛ شُكْرًا» و اگر خواستی، صدبار بگو: «عَفْوًا؛ عَفْوًا»؛ یعنی هم از خدا تشکر می‌کنی و هم عذرخواهی می‌کنی که در نمازی که خواندی، آن‌گونه که باید حق آن نماز را به‌جا بیاوری، به‌جا نیاوردی و آن‌گونه که حق نماز بود، نتوانستی ادا کنی. بابت نمازی که خواندی، از خدا عذرخواهی می‌کنی.

روایت دیگر از امام صادق علیه السلام است. حضرت فرمودند: «إِنَّا يَسْجُدُ الْمُصَلِّي سَجْدَةً بَعْدَ الْفَرِيضَةِ لِيَشْكُرَ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ فِيهَا عَلَى مَا مَنَّ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ آدَاءِ فَرِيضِهِ [آدَاءِ الْفَرِيضَةِ] وَ أَدْنَى مَا يُجْزَى فِيهَا شُكْرًا لِلَّهِ» ثلاث مَرَّاتٍ^۹ نمازگزار بعد از انجام نماز واجب و فریضه در مقام تشکر از خدای تعالی سجده می‌کند و در سجده خدا را به‌خاطر منّتی که بر او نهاد و توفیق به‌جا آوردن نماز را به او عطا کرد، سپاس می‌گزارد. سپس حضرت فرمودند: کمترین چیزی از اذکار که در سجده‌ی شکر پذیرفته است، این است که سه‌بار بگوید: «شُكْرًا لِلَّهِ»

ذکر دیگری که در سجده‌ی شکر به‌جای «شُكْرًا لِلَّهِ» می‌توان گفت، «حَمْدًا لِلَّهِ» است؛ صدبار بگوید: «حَمْدًا لِلَّهِ؛ حَمْدًا لِلَّهِ»؛ لذا روایت داریم که امام رضا علیه السلام در سفری که به سمت خراسان می‌آمدند، در نمازهایی که بین راه می‌خواندند، در سجده‌ی شکر بعد از بعضی از آنها صدبار «شُكْرًا لِلَّهِ» می‌گفتند و در سجده‌ی شکر برخی دیگر، صدبار «حَمْدًا لِلَّهِ» می‌گفتند.^{۱۰} ذکر دیگری که برای سجده‌ی بعد از نماز در روایات توصیه شده است، این است که فرد سر به سجده می‌گذارد و سه‌بار این ذکر را می‌گوید: «يَا اللَّهُ يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ». در روایات

^۸ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۲ و شیخ حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۶ و مجلسی، بحار، ج ۸۳، ص ۱۹۷.

^۹ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۳ و شیخ حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۵ و فیض کاشانی، وافی، ج ۸، ص ۸۵۸.

^{۱۰} صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۸۱ و شیخ حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۵۵ و مجلسی، بحار، ج ۴۹، ص ۹۲.

داریم بعد از اینکه این سه بار را گفت، از جانب خدای متعال ندا می‌رسد: بنده‌ی من چه می‌خواهی؟ هرچه خواهی، در پیشگاه من برآورده است.^{۱۱} اگر فرد، اهل معرفت باشد، اینجا جای این است که بگوید: خدایا! این نماز دست‌وپا شکسته‌ی مرا قبول کن. من می‌خواستم ادب بندگی تو را به‌جا بیاورم؛ اما نتوانستم؛ فهم، شعور، همت و توانش را نداشتم. از این نمازی که خواندم، شرمنده‌ام؛ اما تو با بزرگواریت این نماز را بپذیر. بعد از اینکه سه بار گفت: «یا اللَّهُ یا رَبَّاهُ یا سَيِّداهُ» بگوید: «یا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَ يَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ» ای خدایی که چیزهای اندک را می‌پذیری و از عیب‌ها، ایرادها و لغزش‌های خیلی بزرگ چشم‌پوشی می‌کنی و آنها را می‌بخشی! «اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ» این نماز کوچک و اندک مرا از من بپذیر. «وَ اغْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ» و گناهان بزرگ مرا ببخش؛ یا ایرادهای بزرگی را که در همین نماز بود، ببخش. «إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ» چرا که هرآینه تو خدای بخشایشگر، بخشنده و مهربانی. این هم ذکری است که در سجده‌ی بعد از نماز می‌توان گفت.

اگر خاطرتان باشد، هم در بحث مقارنات نماز، به‌مناسبت بحث سجده، اذکاری را برای سجده‌های مستحبی خدمتتان عرض کردم و هم جلسه‌ی قبل، در بحث دعا، دعاهایی را که بعد از آنها سجده‌ای بود و در آن سجده‌ها، اذکاری گفته می‌شد، خدمتتان گفتم؛ که آنها را تکرار نمی‌کنم.

^{۱۱}. شیخ حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۷، ص ۸۶ و مجلسی، بحار، ج ۸۳، ص ۲۲۷ و محدّث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۵، ص ۱۴۲.

ادب سجده‌ی شکر

در شکل و ترتیب ظاهری سجده‌ی شکر؛ همان‌طور که اشاره کردم، بهتر است همه‌ی مواضعی که در سجده‌ی واجب نماز باید بر زمین باشد، یعنی هفت موضع، در سجده‌ی شکر هم بر زمین باشد. براساس روایات هم گفتیم که دوستان اهل بیت علیهم‌السلام هشت موضع در سجده نماز دارند؛ موضع هشتم بینی بود که آن را هم بر خاک می‌نهادند. در سجده‌ی شکر علاوه بر این هشت موضع، مستحب است آرنج‌ها هم روی زمین قرار بگیرند. در سجده‌ی نماز واجب قرار نمی‌دادیم و از دست‌ها، فقط کف دست بر زمین بود؛ ولی در سجده‌ی شکر خوب است که تمام دست، یعنی تمام بازو و کف روی خاک و زمین باشد؛ و حتی بهتر این است که فرد تا می‌تواند خودش را به زمین نزدیک کند؛ یعنی سینه‌اش را به زمین نزدیک کند؛ حتی بین محلّ سجده با محلّ پاهایش به قدری فاصله بدهد که در کتبی که اعمال مستحب را نقل کرده‌اند و در مورد سجده‌ی شکر هم روایاتی را نقل کرده‌اند، گفته‌اند حتی شکم به خاک بچسبد؛ تا این حد! یعنی همه‌ی وجودش به تمام معنا در مقام تشکر به خاک بیفتد. پس از اینکه پیشانی بر خاک نهاد، پیشانی را از خاک بردارد، گونه‌ی راست خود را بر خاک یا مهر بگذارد و سپس گونه‌ی راست را بردارد؛ گونه‌ی چپش را بر خاک بگذارد. بعد، آن را هم از خاک بردارد و مجدداً پیشانی را بر خاک بگذارد. این ادب سجده‌ی شکر کامل است.

شاید شنیده باشید، می‌گویند بعد از نماز دو سجده‌ی شکر به‌جا بیاورید. علتش این است که در سجده‌ی شکر که گفتیم، دوبار پیشانی بر خاک نهاده می‌شود. چند روایت در این زمینه بخوانم.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «كَانَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عليه السلام إِذَا صَلَّى لَمْ يَنْفَتِلْ حَتَّى يُلْصِقَ خَدَّهُ الْأَيْمَنَ بِالْأَرْضِ وَ خَدَّهُ الْأَيْسَرَ بِالْأَرْضِ»^{۱۲} موسی بن عمران علیه السلام، آن پیامبر بزرگوار اولوالعزم، وقتی نماز می گذاشت، اول گونه‌ی راست و سپس گونه‌ی چپ خود را بر خاک و بر زمین قرار می داد.

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری فرمودند: «أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى» خدای متعال به موسی بن عمران علیه السلام وحی فرمود: «أَتَدْرِي يَا مُوسَى لِمَ اسْتَجَبْتُكَ مِنْ خَلْقِي وَ اضْطَفَيْتُكَ لِكَلَامِي» ای موسی! می دانی به چه خاطر تو را از میان مخلوقاتم برگزیدم و برای اینکه با تو مکالمه کنم، انتخاب کردم؟ (چون حضرت موسی علیه السلام کلیم الله هستند و با خدا سخن می گفتند). «قَالَ لَا يَا رَبِّ» حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: خدایا! پروردگار من! نمی دانم چرا مرا انتخاب کردی. «فَأَوْحَى [فَقَالَ] اللَّهُ إِلَيْهِ» خدای متعال به موسی علیه السلام وحی کرد (یا خدای متعال به موسی علیه السلام فرمود) «إِنِّي أَطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ فَلَمْ أَجِدْ عَلَيْهَا [أَحَدًا] أَشَدَّ تَوَاضَعًا لِي مِنْكَ» به این خاطر که من به زمین و زمینیان توجه کردم، در بین مخلوقاتم احدی را نیافتم که تواضعش برای من، بیش از تو باشد. تو بیشترین و شدیدترین تواضع را در پیشگاه من داشتی. به علت این تواضع، تو را به پیامبری انتخاب کردم و کلیم الله قرار دادم. «فَخَرَّ مُوسَى سَاجِدًا وَ عَفَّرَ خَدَّيْهِ فِي التُّرَابِ تَذَلُّلاً لِلَّهِ [مِنْهُ لِرَبِّهِ] عَزَّ وَ جَلَّ» وقتی خدا فرمود به دلیل تواضع تو را انتخاب کردم، موسی علیه السلام به سجده افتاد و در مقام تذلل در برابر خدای عزوجل دو گونه اش را هم به خاک گذاشت؛ «فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ يَا مُوسَى اِرْفَعْ رَأْسَكَ» خدای متعال به او وحی کرد که ای موسی! سرت را از سجده بردار. «وَ أَمَرَ يَدَكَ عَلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ» و دستت را به

^{۱۲}. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۱ و صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۲ و فیض کاشانی، وافی، ج ۸، ص ۸۱۸.

محلّی که بر آن سجده کرده بودی، به آن قسمت از زمین، بکش (ما که سرمان را روی مهر می‌گذاریم؛ دستمان را به مهر بکشیم) «وَامْسَحْ بِهَا وَجْهَكَ» و با آن دست، صورتت را مسح کن. «وَمَا نَالْتَهُ مِنْ بَدَنِكَ» و هر جا از پیکرت که دستت می‌رسد را هم مسح کن؛ چرا؟ «فَإِنَّهُ شِفَاءٌ [أَمَانٌ] مِنْ كُلِّ سُقْمٍ وَ دَاءٍ وَ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ»^{۱۳} زیرا این عمل تو سبب شفا یافتن از همه‌ی بیماری‌ها، دردها، آفت‌ها، اختلالات و ناراحتی‌ها می‌شود. این روایات ادب سجده کردن در سجده‌ی شکر را به ما یاد می‌دهد.

روایت دیگر، حدیثی از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ أُمَّتِي فَضَى الصَّلَاةَ ثُمَّ مَسَحَ جَبْهَتَهُ بِيَدِهِ الْيُمْنَى ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ اللَّهُمَّ أَذْهَبْ عَنَّا الْحَزْنَ وَ الْهَمَّ وَ الْفِتْنَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مَا سَأَلَ»^{۱۴} پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: احدی نیست که نماز واجبش را به جا بیاورد؛ سپس با دست راست خود، پیشانی‌اش را مسح کند (با استفاده از روایت قبل می‌توان فهمید که احتمالاً بعد از اینکه به خاک و مهر دست کشید، پیشانی‌اش را مسح کند)؛ و بعد بگوید: خدایا! حمد و ستایش سزاوار و شایسته‌ی توست. هیچ معبودی جز تو نیست. تویی که هم از پنهانی‌ها و هم از آشکارها خبر داری. خدایا! همه‌ی اندوه‌ها، غصّه‌ها و فتنه‌ها، آنچه آشکار و یا پنهان است، همه را از ما برطرف کن. پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: بنده‌ی نمازگزار این کار را نمی‌کند، مگر اینکه آنچه را که خواسته است، خدا به او عطا می‌کند.

^{۱۳}. شیخ حرّعاملی، جواهر السنّیة، ص ۱۳۶ و سائل الشّیعة، ج ۷، ص ۱۴ و مجلسی، بحار، ج ۸۳، ص ۱۹۹ و طوسی، امالی، ص ۱۶۵.

^{۱۴}. مجلسی، بحار، ج ۸۳، ص ۳۵ و محدّث‌نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۳۱ و ابن حیّون، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۷۱.

چون در جمع اساتیدی که در جلسه در خدمتشان هستیم، بزرگواران روانشناس هم هستند؛ به کسانی که دچار افسردگی هستند؛ یا حالت‌های شبیه افسردگی دارند، خوب است توصیه کنند بعد از نماز واجب، دستشان را روی مهر و سپس به پیشانی‌شان بکشند و همین دعا را بخوانند: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ اللَّهُمَّ أَذْهَبْ عَنَّا الْحَزْنَ وَ الْهَمَّ وَالْفِتْنَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ».

روایت دیگری که آن هم شبیه این روایت است؛ (از این روایات ادب و شکل سجده را یاد می‌گیریم.) «أَنَّ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِرَجُلٍ» امام صادق عليه السلام به مردی فرمودند: «إِذَا أَصَابَكَ هَمٌّ» وقتی غصه‌ای به سراغ تو آمد و غصه‌دار شدی؛ «فَامْسَحْ يَدَكَ عَلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ» دست خود را به محلّ سجدهات بکش و محلّ سجدهات را مسح کن. «ثُمَّ امْسَحْ يَدَكَ عَلَى وَجْهِكَ مِنْ جَانِبِ خَدِّكَ الْأَيْسَرِ وَ عَلَى جَبْهَتِكَ إِلَى جَانِبِ خَدِّكَ الْأَيْمَنِ» سپس دستت را به صورتت بکش؛ منتهی به این ترتیب که از طرف گونه‌ی چپ شروع کن، سپس دستت را به پیشانی، و در آخر به گونه‌ی راستت بکش. «ثُمَّ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ أَذْهَبْ عَنِّي الْغَمَّ وَالْحَزْنَ ثَلَاثًا»^{۱۵} بعد از اینکه این کار را انجام دادی، سه بار بگو: به نام خدایی که جز او معبودی نیست و بر پنهان و آشکار آگاه است. خدایی که هم رحمتش گسترده است و همه‌ی خلق را در برگرفته و هم رحمت ویژه‌اش شامل حال مؤمنان می‌شود. خدایا! این غم و اندوه را از من برطرف کن. این توصیه‌ای از امام صادق عليه السلام بود که به فردی فرمودند هر وقت غم و اندوهی به سراغت آمد، این کار را انجام بده؛ آن غم و اندوه برطرف می‌شود.

^{۱۵}. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۳ و صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۱ و فیض کاشانی، وافی، ج ۹، ص ۱۶۲۳.

همچنین از آداب سجده‌ی شکر این است که گریستن در سجده، فوق‌العاده فضیلت دارد. در بحث سجده‌ی نماز برخی از روایت‌های آن را خدمتتان عرض کرده‌ام؛ از جمله، این روایت را ملاحظه بفرمایید که از امام باقر علیه السلام است. حضرت فرمودند: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ سَاجِدٌ بَاكِ [بَيْتِي]»^{۱۶} جایی که بنده به خدا بسیار نزدیک است و کاملاً به خدای عزوجل وصل است؛ هنگامی است که در سجده است و می‌گرید. لذا گریستن در سجده هم فضیلت فوق‌العاده‌ای دارد.

در چه مواردی باید سجده‌ی شکر را به‌جا بیاوریم؟

این نکته را هم در بحث سجده‌ی شکر اضافه کنم که سجده‌ی شکر منحصر به سجده‌ی بعد از نماز واجب نیست. خود سجده‌ی شکر مستقلاً یک عبادت است و هر وقت می‌توان آن را انجام داد؛ لذا هر زمان توفیق طاعت و عمل خیری نصیب انسان شد؛ کار خوب و خیری انجام داد؛ به صله‌ی رحمی موفق شد؛ به انسان نیازمندی کمک کرد؛ عبادتی انجام داد؛ یا توفیق ترک معصیتی را به‌دست آورد؛ از یک لغزشگاه بزرگ گناه به سلامت عبور کرد؛ یا هر وقت نعمتی را که خدا به او داده است، به‌خاطر آورد و به نظرش رسید؛ یا هر وقت بلایی از او گذشت؛ نعمتی از او عبور کرد و با او تماس نگرفت و دید از چه خطر بزرگی رهیده است؛ هر وقت این‌گونه امور به‌خاطرش آمد، خوب است سجده‌ی شکر به‌جا بیاورد. این سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، ائمه‌ی هدی علیهم السلام و اولیای خدا است.

^{۱۶}. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۸۳ و شیخ حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۷، ص ۷۵ و مجلسی، مرآة‌العقول، ج ۱۲، ص ۵۷.

شکل کامل سجده‌ی شکر را خدمتتان عرض کردیم؛ ولی اگر شرایط به‌گونه‌ای نیست که فرد در آن لحظه به خاک بیفتد و به شکل کامل سجده کند؛ با مراتب خفیف‌تری، سجده‌ی شکر را ترک نکند. اجازة دهید دو روایت بخوانم.

امام باقر علیه السلام فرمودند: «إِنَّ أَبِي عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ علیه السلام مَا ذَكَرَ نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِلَّا سَجَدَ» پدرم علی‌بن حسین، امام سجّاد علیه السلام، هیچ نعمتی را به‌خاطر نمی‌آوردند؛ مگر اینکه سجده می‌کردند. «وَلَا قَرَأَ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا سُجُودٌ إِلَّا سَجَدَ» و هیچ آیه‌ای از قرآن را هم که در آن اشاره‌ای به سجده شده باشد، نمی‌خواندند؛ مگر اینکه سجده می‌کردند. «وَلَا دَفَعَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ سُوءَ يَخْشَاهُ أَوْ كَيْدَ كَائِدٍ إِلَّا سَجَدَ» و خدای متعال هیچ اتفاق بدی که حضرت از آن پروا داشتند و می‌ترسیدند، یا کید و مکر انسان فریبکاری را از ایشان برطرف نمی‌کرد، مگر اینکه امام سجّاد علیه السلام به‌خاطر آن، در مقام تشکر سجده می‌کردند. «وَلَا فَرَعَ مِنْ صَلَاةٍ مَفْرُوضَةٍ إِلَّا سَجَدَ» و از هیچ نماز واجبی فارغ نمی‌شدند، مگر اینکه سجده می‌کردند. «وَلَا وَفَّقَ لِإِضْلَاحٍ بَيْنَ اثْنَيْنِ إِلَّا سَجَدَ» و موفق نمی‌شدند بین دو نفر که رابطه‌شان تیره شده است، آشتی برقرار کنند و آنها را با هم آشتی دهند، مگر اینکه به‌خاطر آن توفیق، سجده می‌کردند. سپس امام باقر علیه السلام فرمودند: «وَكَانَ أَثَرُ السُّجُودِ فِي جَمِيعِ مَوَاضِعِ سُجُودِهِ» و به‌قدری امام سجّاد علیه السلام سجده می‌کردند که اثر سجده کردن در تمام مواضع‌های سجود ایشان قابل‌مشاهده بود. در پیشانی، روی بینی، کف دست‌ها، سر زانو‌ها، سر انگشت‌های شصت پاهای، در همه‌ی اینجاها، به‌علت اینکه حضرت بسیار سجده می‌کردند، حالت پوست تغییر کرده؛ سفت شده و به‌گونه‌ای بود که معلوم بود اثر سجده است. سپس فرمودند: «فَسُمِّيَ

السَّجَادَ لِذَلِكَ»^{۱۷} علّت اینکه به امام زین العابدین علیه السلام سجّاد گفته می‌شود و به این نام نامیده شده‌اند، سجده‌های فراوانی بود که ایشان انجام می‌دادند. این روایت در زمینه‌ی اینکه در چه مواردی و به چه مناسبت‌هایی باید سجده شود.

روایت دوم از امام صادق علیه السلام است. حضرت فرمودند: «إِذَا ذَكَرَ أَحَدُكُمْ نِعْمَةَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى التُّرَابِ شُكْرًا لِلَّهِ» وقتی هریک از شما یکی از نعمت‌های خدای عزوجل را به خاطر آورد، باید در مقام تشکر از خدا گونه‌ی خود را بر خاک بگذارد؛ «فَإِنْ كَانَ رَاكِبًا فَلْيَنْزِلْ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى التُّرَابِ» اگر سوار بر مرکب است؛ (آن روزها "مرکب" اسب و شتر بوده است؛ ولی امروز اتومبیل است.) پیاده شود و در مقام تشکر از خدا گونه را بر خاک بگذارد. «وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ يَقْدِرُ عَلَى التَّزْوِيلِ لِلشُّهْرَةِ» اگر دید قدرت یا امکان اینکه پیاده شود و سجده‌ی شکر به جا بیاورد را ندارد؛ اگر امکانش نبود؛ به خاطر اینکه نوعی شهرت ایجاد می‌شد، نوعی خودنمایی و انگشت‌نما شدن بود و او به خاطر اینکه مقدّس‌نمایی نکرده باشد، این کار را نمی‌کرد، یا به قرینه‌ی روایات دیگری که داریم، چون این سنت (سجده‌ی شکر) در بین شیعه رایج است و اهل سنت و پیروان خلفا به این سنت، این گونه ملتزم نیستند؛ اگر کسی سجده‌ی شکر را در علن انجام می‌داد، ممکن بود لو برود؛ یعنی توسط حکومت خلفا شناسایی شود؛ لذا در بعضی روایات داریم که ائمه علیهم السلام وقتی شرایطی پیش می‌آمد که می‌خواستند سجده‌ی شکر کنند؛ اما دور و برشان انسان‌های دیگری بودند، دستشان را روی شکمشان می‌گذاشتند؛ به بهانه‌ی اینکه دلم درد گرفت، سرشان را پایین می‌آوردند،

^{۱۷}. شیخ حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۱ و مجلسی، بحار، ج ۴۶، ص ۶ و صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۳۳.

سجده‌ی شکر می‌کردند و سرشان را بلند می‌کردند.^{۱۸} در جمع بودند؛ ولی می‌خواستند لو نروند؛ که به چه خاطر سرشان را پایین می‌آوردند. ممکن است "شهرت" هم به این معنا باشد که انگشت‌نما شود به منزله‌ی شخص خیلی اهل معنا و عبادت و نوعی خودنمایی و شهرت‌طلبی کرده باشد و هم به این اعتبار که توسط پیروان مکتب خلفا شناسایی شود. فرمودند: اگر این‌گونه بود که امکان نداشت؛ اگر سوار اسب است؛ «فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى قَرْنِ اسْبِهِ» جلوی زین برآمدگی‌یی دارد. سر خود را روی همان برآمدگی بگذارد و از اسب پیاده نشود. اگر شرایط به‌گونه‌ای است که امکان نمی‌دهد، همین کار را کند. به تعبیر زمان ما اگر پشت فرمان بود؛ ماشینش را کناری متوقف کند و در مقام تشکر، سر و گونه‌ی خود را روی فرمان اتومبیل بگذارد و اگر بغل دست راننده نشسته است، سرش را روی داشبورد بگذارد. «وَ إِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى كَفِّهِ»؛ اما اگر دید این کار هم امکان‌پذیر نیست؛ کف دست خود را بالا بیاورد و پیشانی‌اش را روی آن بگذارد. «ثُمَّ لِيُحْمَدِ اللَّهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ»^{۱۹} در هریک از این سه شکل، چه سر خود را بر خاک نهاد؛ چه بر برآمدگی زین مرکبش گذاشت و چه بر کف دستش قرار داد؛ حمد و سپاس خدای متعال را در قبال نعمتی که به او عنایت فرموده است، به‌جا بیاورد.

روایاتی که در باب سجده‌ی نماز، در بحث فضیلت طولانی بودن سجده عرض کردیم، اینجا هم جاری است؛ لذا روایاتی داریم که بعضی از ائمه علیهم‌السلام بعد از نماز صبحشان که

^{۱۸}. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۲۰ و طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۱۱۲ و فیض کاشانی، وافی، ج ۸، ص ۸۲۵.

^{۱۹}. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۹۸ و شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۹ و مجلسی، بحار، ج ۶۸، ص ۳۵.

سر به سجده‌ی شکر می‌گذاشتند، با صدای اذان ظهر سر از سجده‌ی شکر برمی‌داشتند؛

یعنی حضرت چهار، پنج ساعت، شاید هم بیشتر در سجده‌ی شکر بودند.^{۲۰}

در روایات سجده‌ی شکر داریم، خوب است شخص نمازگزاری که سر به سجده‌ی شکر

گذاشته است، در سجده‌ی شکر خود برای مؤمنین، برای خواهران و برادران ایمانی‌اش

دعا کند و از خدای متعال برای آنها خیر بطلبد.^{۲۱}

اجازه دهید در بحث سجده‌ی شکر به همین بسنده کنیم. پس یکی دیگر از تعقیباتی که

فضیلت فوق‌العاده‌ی دارد، سجده‌ی شکر به‌جا آوردن در تعقیبات بعد از نماز است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

^{۲۰}. حرّعاملی، وسائل الشّیعة، ج ۷، ص ۹ و مجلسی، بحار، ج ۸۳، ص ۲۳۰ و حرّعاملی، وسائل الشّیعة، ج ۷، ص ۹ و مجلسی، بحار، ج

۸۳، ص ۲۱۹ و صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۰ و

حرّعاملی، وسائل الشّیعة، ج ۷، ص ۸ و ۱۰ و صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۲ و فیض کاشانی، وافی، ج ۸، ص ۸۲۳ و مجلسی، بحار، ج ۴۸، ص ۱۰۱ و ج ۸۳، ص ۲۰۸ و مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۳۱ و علی‌بن‌ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۲ و محدّث‌نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۵۶.

^{۲۱}. مجلسی، بحار، ج ۸۳، ص ۲۱۱ و سی‌بن‌طاووس، فلاح السائل، ص ۱۸۸ و طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۹۷.

مجلسی، بحار، ج ۸۴، ص ۲۲۱ و ابن‌فهد حلّی، عدّة الدّاعی، ص ۱۸۲ و محدّث‌قمی، سفینة البحار، ج ۳، ص ۵۳.